

**یادداشت**

خوی چشم انتظار یک شب‌بخیر ساده

## به آفتابگردان‌ها بگو نمیرند!

**امید مافی:** با آن دو نی‌نی از بالای مناره مغموم به دوردست زل زده و بی‌وقفه و مدام بهانه جلال‌الدین محمد بلخی را می‌گیرد. مولانا جلال‌الدین نیز کاسه چه کنم چه کنم دست گرفته و زیر لب نجوا می‌کند: ای شب شادی همیشه بادی شادا…

شمس اما لیخند نمی‌زند و با آن دو نی‌نی پرسشگر و مغیون فقط جهان را شنمی می‌کند. از وقتی زمین لرزید و لب‌های خوی تکان خورد و سوز سرما همه جا را گرفت، دیگر نه خنده‌های شمس زیر خروارها خاک موج برمی‌دارد و نه آفتابگردان‌ها نقش خویش را از خواب مرگ پاک می‌کنند.

خوی داغدار است و اندوهکین و در این شب‌های پرملال که مرگ با بیداری فرقی ندارد، به همان شب‌بخیر ساده ستاره‌ها دل خوش کرده. از وقتی زلزله آمد و در سرمای آدم‌کنش آن سوی آذربایجان، جیب‌ها را به دست‌ها بدھکار کرد، یک لیوان آب ولرم از گلوی خوی پایین نرفت و شهر به قدر زهدان خود رنج برد از این همه تعب و درد و زخم ناسور.

حالا که مام میهن شریک اندوه خوی شده و جوانمردان و قلندران راه شهر خاموش را پیش گرفته‌اند، باید چشم‌انتظار تولد یک غلامرضا ماند. غلامرضایی که انبان به دست گیرد و به شکل اسبی مجنون که شیعه می‌کشد، از دست‌ها و کوهستان‌ها به سلامت بگذرد و قرص نانی در سفره‌های خالی بگذارد.

خوی اما با تکلم لال خویش به افق‌های پیش‌رو دل بسته و دوست ندارد با تبخیر مستقیم دردهایش به هیج‌سان یله دهد و تاریخ دل‌رای خویش را نقطه بگذارد. برای همین شاید آفتابگردان و عسل و فرش ماهی، قاب چشم‌ها را خالی نمی‌کنند تا به یاد جماعت بیدار بیاورند که فرجام شهری که قلبش تیر می‌کشد، مرگ نیست و دیر یا زود کسی به چشم‌های شمس ناخنک خواهد زد.

در این بلبشو چه خوب است که پهلوانان بانام و بی‌نام‌کوشه‌چشمی به زلزله مهیب آن سوی وطن دارند و سرما را از کوچه‌ها می‌ریابند تا گرما با آستین‌های تازه در چادرهای خاموش گرم کند مردمانی را که به طرز عجیبی اعضای یک پیکرند و لبان سرد بی‌قرارشان، از یک شب‌بخیر ساده معذورند.

سلام به خوی، سلام به تمام آفتابگردان‌ها که همین لحظه دارند نگاهمان می‌کنند و سلام به معلم معنوی مولانا که دست به کمر ایستاده تا زمین به شکل ساده خود برگردد و آغشته به طعم عسل، مشام مادرش را لختی نوازش دهد… آیا این مرد با چتر خیس، در انتهای خیابان به روی سوت‌دلان آغوش می‌گشاید و به عشق رادمردی در روزگار قحطی رادمردی غلت خواهد زد.



# تأملی حقوقی در باب مصوبه مولدسازی

**سیدحمیدرضا موسوی، وکیل پایه‌یک دادگستری:** پس از تدوین قانون اساسی و با گذشت مدتی از آن کم‌کم میان متن نوشته و آنچه در عمل اجرا می‌شود، تعارض ظاهر می‌شود و گاهی این رویه‌ها و عرف‌های عملی متن نوشته‌شده را به حاشیه می‌رانند و تبدیل به قاعده‌ای متروک می‌کند و این همان اصول نانوشته قانون اساسی است.

به نظر می‌رسد درباره امر خطریر قانون‌گذاری در کشورمان اصول نانوشته‌ای حاکم شده است. با وجود اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۵۸ و ۷۱)، وضع قانون در انحصار صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و اعتبار مصوبات آن نیز در گرو تأیید ششورای نگهبان است، درحال‌حاضر نهادهایی وجود دارند که در عرض مجلس شورای اسلامی به وضع قانون و مقررات می‌پردازند. نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری، مجلس خبرگان و برخی از مراجع دیگر اشاره کرد که مصوبات آنها لازم‌الاجراست.

در چند سال اخیر شورای هماهنگی اقتصادی سران قوه نیز به مراجع مزبور اضافه شده است. شورای عالی هماهنگی اقتصادی نهادی جدید که نخستین جلسه آن در پنجم خردادماه ۱۳۹۷ با حضور رئیس‌جمهور وقت، معاون اول رئیس‌جمهور، رئیس دفتر رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه، معاون امور اقتصادی رئیس‌جمهور، وزیر اقتصاد، وزیر امور خارجه، معاون وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد تیم هسته‌ای، وزیر نفت، رئیس کل بانک مرکزی از قوه مجریه و ریاست قوه قضائیه، معاون اول و سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل کشور از قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از قوه مقننه با شرح وظایف ۱- اوضاع بانکی ۲- اشتغال و سرمایه‌گذاری ۳- رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان ۴- بودجه و انضباط مالی ۵- حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی ۶- چاره‌اندیشی برای هرگونه احتمال در برجام و تصمیم‌سازی درباره اصلی‌ترین مسائل اقتصادی کشور تأسیس شد. این شورا با نقض اصل تفکیک قوا در حوزه اقتصادی کشور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کند.

تصمیم‌گیری‌هایی مانند تصویب عیدی کارمندان دولت، تمدید اختیارات رئیس بانک مرکزی در سامانه بازار ارز، تنظیم بازار کالا و افزایش اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد با کم‌فروشی و گران‌فروشی، افزایش قیمت بنزین از مصوبات جلسه شورا بود. و اکنون نیز مصوبه یا به بیان بهتر مصممه‌ای موسوم

به مولدسازی دارایی‌های دولت در جلسه شصت‌وهفتم شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصویب شده است، این مصوبه از جهات مختلف مغایر با یک نظام مبتنی بر حاکمیت قانون است و به خاطر مصونیت‌هایی که ایجاد می‌کند، مغایر با اصول قانون اساسی و نظام عدالت اداری است.

قوانین مختلف، درباره فروش اموال مازاد دستسگاه‌های اجرائی تعیین تکلیف کرده‌اند و حتی اگر ایراد و اشکالی در آنها وجود دارد، انتظار می‌رود مجلس آن موارد را اصلاح کند تا حداقل، به ظاهر فرایند شکلی تصویب قانون رعایت شود. از جهات مختلف این مصوبه فراقانونی و برخلاف قانون اساسی است و ایرادات قانونی و اساسی به آن وارد است. برای نمونه بند ۵ آن که برای اعضای هیئت مصونیت قضائی در نظر گرفته برخلاف نظریه تفسیری شورای نگهبان مصوب ۲۰/۱۰/۱۳۸۰ ذیل اصل ۸۶ قانون اساسی است:

«۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتادوششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند، و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند…».

اما این یادداشت در بی طرح موضوع یا پرسش دیگری است و عجالتا به خود محتوای این مصوبه کار ندارد. درواقع موضوعی که موجب نگرارش این یادداشت شده، مشاهده رویه خطرناک حذف مردم از فرایند تصمیم‌گیری و حکمرانی با ایجاد مراجع و نهادهای متعدد قانون‌گذاری به‌جای مجلس قانون‌گذاری است، به‌ویژه تصمیمات شورای عالی هماهنگی سران قوا، شورایی که در هیچ قانونی از آن ذکری به میان نیامده اما ظاهرا با تصمیماتش نشان داد که در مهم‌ترین موضوعات می‌تواند بدون پاسخ‌گویی تصمیم‌گیری کند و سرنوشت ۸۰ میلیون ایرانی را رقم بزند.

در این راستا پرسش‌هایی مطرح می‌شود که این شورا اساسا از چه زمانی به وجود آمده است و دامنه صلاحیت و حدود اختیارات آن در تصویب مصوبات اقتصادی چیست؟

آیا تأسیس این نهاد برای تشخیص مصالح جامعه با وجود نهادهای مشابه با کارکرد مشابه که اتفاقا هر سه رئیس قوه در آن نهادها حضور دارند مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضرورت کافی دارد؟

اگر موضوعات اقتصادی مانند قیمت بنزین و فروش اموال غیرمنقول دولت (البته دارایی‌های دولت در واقع اموال ملت است و نمایندگان مردم باید بر واگذاری آن نظارت داشته باشند و کلماتی مانند «مولدسازی» مبهم است و مشخص نیست منظور دقیقا چیست؟) آن‌قدر مهم است که باید خارج از روندهای معمولی و در شورای رؤسای سه قوه بررسی شود، آیا واجد عنوان (مسائل مهم) در اصل پنجاهونهم قانون اساسی برای برکناری فرارندوم نیست؟ خوب بود رئیس‌جمهور



که دارای صلاحیت در این حوزه نیز هستند (ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی)، موضوعی به این اهمیت را برای همه‌پرسی مطرح می‌کردند، این حق طبیعی و قانونی مردم است که در این موارد چه به‌صورت مستقیم که همان همه‌پرسی باشد یا چه از طریق نمایندگان خود اظهارنظر کنند.

با توجه به تأکید قانون اساسی در مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود و اتکای امور کشور به آرای عمومی (اصل ۶) چرا نظرات شهروندان یا جوامع مدنی در این قبیل موارد لحاظ نمی‌شود؟ اساسا نقش مردم در فرایند تصمیم‌سازی و حکمرانی با توجه به اصل ششم قانون اساسی چیست؟ اگر مصوبات این شورا در حکم قانون است پس چرا در روزنامه رسمی منتشر نمی‌شود؟ براساس اصول حقوقی، یکی از ویژگی‌های قانون، انتشار عمومی آن است.

با جست‌وجو در سامانه تفتیح قوانین مجلس شورای اسلامی و سامانه معاونت حقوقی دولت، خبری از انتشار رسمی مصوبات این شورا وجود ندارد.

به این ترتیب می‌توان پرسید اگر تصمیمات کلان اقتصادی به شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا سپرده شده (چندان که امر فرهنگ به شورای عالی انقلاب فرهنگی) و هیئت عالی نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام هم در مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شده، اساسا نهادی به نام مجلس شورای اسلامی – که قرار بود در رأس امور باشد- دقیقا چه‌کاره است و اصلا با این وضعیت به چه کار می‌آید؟ تازه همین مجلس که حاصل اعمال نظارت ششورای نگهبان است و مصوبات آن را هم شورای نگهبان باید تأیید کند.

درنهایت همان‌طورکه به اشعارت رفت به عقیده نگارنده به نظر می‌رسد در حوزه امر تقنین اصول نانوشته‌ای حتی برخلاف و در تعارض با قانون اساسی حاکم شده که اختیار قانون‌گذاری را به اشخاص و نهادهای متعددی واگذار کرده و تقریبا مجلس نمایندگان در بسیاری از امور مهم کشور عملا قدرتی در وضع قوانین ندارند. و این امر تفکیک قوا و اتکای امور کشور به آرای عمومی (اصل ۶) را که دو عنصر اصلی دموکراسی است، زیر سؤال می‌برد و باعث تضعیف جایگاه مقننه می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول متعدد از جمله اصل ۵۷ هم اصل تفکیک قوا و هم استقلال قوا را پذیرفته است؛ بنابراین تصویب این قبیل مصوبات مصداق بارز دخالت در امر قانون‌گذاری و اصل تفیک قوا و تضییع حقوق ملت است؛ چراکه مردم با انتخاب نمایندگان خود اختیار امر قانون‌گذاری را به ایشان تفویض کرده‌اند و فرض این است که نمایندگان منتخب ملت نیز صرفه و صلاح موکلان خود را رعایت کنند و قوانین تصویبی به نفع مردم باشند. مسلما قانون‌گذاری غیر از طریق مجلس منتخب نمایندگان مردم با مراجعه مستقیم به آرای مردم، مخالف قانون اساسی و موجب تضییع حقوق ملت است. در مملکتی که قانون اساسی نوشته‌شده با قانون اساسی نانوشته مطابقت ندارد، با گذر زمان اختلاف برپا خواهد شد.

# آیا نمایندگان مجلس ودولت پایبند به اجرای قانون معلولان هستند

شوربختانه در لایحه بودجه کشور ما بندها و تبصره‌های وابسته به معلولان سرگذشت غم‌انگیزی دارد. معلولان و دوستداران حقوق انسانی در کشور ما سال‌ها کوشیدند و به هر دری زدند تا در سال ۱۳۹۶ قانون حمایت از معلولان که تا اندازه‌ای حقوق این قشر را به رسمیت می‌شناخت، به تصویب رساندند. این قانون در آغاز در پیکر یک لایحه از سوی دولت به مجلس پیشنهاد شد، در مجلس تصویب شد، شورای نگهبان آن را گواهی و برای اجرا به دولت ابلاغ کرد. چند سالی با همه کاستی‌ها به اجرا درآمد تا زخم‌بندی کوچکی بر زخم‌های بی‌پایان جامعه معلولان کشور باشد. ناباورانه هنگامی که نوبت به دولت آقای رئیسی و لایحه بودجه تسلیمی ایشان به مجلس در سال ۱۴۰۲ رسید، این لایحه آن زخم‌بند کوچک را نیز برداشت تا معلولان را هرچه بیشتر در سیلاب گرانی، تورم و تنهایی رها کند. هزاران افسوس و بیداد که در لایحه پیشنهادی دولت آقای رئیسی به مجلس، قانون حمایت از معلولان به فراموشی سپرده شده است. افسوس بیشتر آنکه نمایندگان مجلس نیز با زیر پا گذاشتن قانون حمایت از معلولان تصویبی سال ۱۳۹۶، کلیات لایحه پیشنهادی دولت را به تصویب رساندند. گویی این قانون را که تنها پنج سال از عمرش گذشته است، نه دولت و نه مجلس دیده است. در برابر این بی‌قانونی، آنها می‌گویند بودجه اجرای این قانون را به سازمان بهزیستی داده‌اند. آنها به‌خوبی می‌دانند که با این نرخ تورم بودجه سازمان بهزیستی نیز کمتر از سال گذشته است؛ یعنی هم بودجه قانون حمایت از معلولان را غیرقانونی از بنیان حذف کرده‌اند و هم در سنجش با تورم، بودجه سازمان بهزیستی را کاهش داده‌اند. آیا معلولانی که لایگیری نمی‌دانند، صداوسیما و دستگاه‌های تبلیغاتی ندارند و نمی‌توانند بده‌بستان کنند، باید به این آسانی حقوق خود را پایمال‌شده بدانند؟ آیا پایمال‌شدن قانون حمایت از معلولان بخشی از برنامه هفت‌هزار صفحه‌ای آقای رئیسی بود که پیش از ریاست‌جمهوری آن را یادآوری می‌کرد؟ آیا نمایندگان مجلس در درگاه خداوند برای چشم‌پوشی از قانون حمایت از معلولان پاسخی در درگاه خداوند و مردم دارند؟ از هیئت‌رئیسه محترم مجلس و همه نمایندگان درخواست داریم بدون هرگونه چون‌وچرایی ردیف بودجه مستقل قانون حمایت از حقوق معلولان را در لایحه بودجه ۱۴۰۲ بکنجانند و اجازه ندهند آه معلولان به خاطر این ظلم روا داشته دامن‌گیر آنان شود. اگر توانایی بزرگ‌کردن سفره معلولان را که از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند، ندارید، لاقل سفره آنها را کوچک‌تر نکنید. با افزایش بودجه حمایت از معلولان کاری کنید تا جامعه هدف بهزیستی بتواند برای سال آینده در برابر ابربحران‌های اقتصادی پیش‌بینی‌شده پیش‌رو قیامت کند.



منصور شادکام

قائم‌مقام انجمن نایب‌نایان ایران

چندی پیش یکی از مشاوران رئیس‌جمهور پیشین گفته‌ای به این معنی داشت که در پشت هر بند و تبصره از لایحه بودجه یک لابی نیرومند است. ایشان یادآور شد گاهی همه لایحه بودجه برای تصویب یک بند و تبصره به گروهان یک لابی درمی‌آید. پس از ایشان نیز ندیدیم که کسی این گفته را نادرست بداند و در نادرستی آن برهانی بیاورد. در برابر همه لابی‌های نیرومند بودجه در دولت و مجلس، یک گروه هم هستند به نام معلولان که کمترین لابی‌ی در دولت و مجلس ندارند؛ تنها خدایی دارند که به داوری نشسته است. دلی مهربان اما پر از سوز و درد را در قفسه سینه جای داده‌اند. حتی وقتی با شرایط جسمانی سخت مقابل مجلس دست به تجمع می‌زنند، باز هم کسی صدای آنها را نمی‌شنود. بسیاری از آنها نابینا هستند، گروهی توانایی شنیدن و گفتن ندارند، مغز و شبکه عصبی شماری از آنها دچار نابسامانی شده است، شماری کودک هستند و خودشان به همراه پدر و مادر و خانواده همه در رنج‌اند، گروهی بدون آنکه از زندگی بهره‌ای برده باشند، در آسایشگاه‌ها یا کنج خانه‌ها مظلومانه به پیری رسیده‌اند. بخشی نیز کودک و نوجوان هستند و هنوز دست مهر مادری با پدری را بر چهره خود احساس نکرده‌اند. این مردمان بدون هرگونه لابیگری در قانون که از سوی دولت به مجلس ارائه شده است، تنهای تنها رها شده‌اند.

در بسیاری از کشورهای جهان که دستگاه دیوانی آنها پنداری از وابستگی به خدا و دین ندارد، احترام به معلولان و تأمین نیازهای آنها از بدیهی‌ترین حقوق اولیه و انسانی آنها محسوب می‌شود. آنهایی که توانسته‌اند کمی به انسانیت بیندیشند، دریافته‌اند که خوشبخت‌سازی و خوشحال‌کردن معلولان نماد انسان‌بودن و اخلاق‌مداری آنهاست. هرچه معلولان در آسایش و خجستگی بیشتر باشند، پرچم انسانیت را شکوهمندتر می‌بینند. آنها دانسته یا ندانسته، شعر سعدی شیراز را در مجلس و دولت خود با خجستگی به نمایش درآورده‌اند که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار

تو زک محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی



شماره ثبت ۳۹۹۱

حساب تجارت: ۷ ۱ ۳ ۱ ۶ ۲ ۹ ۴۷۰ ۰۰۵

کارت تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲-۲۲۹۴۷۰۱۴ (۰۲۱)